



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

مقایسه و بررسی نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران با یک کشور اروپایی

(نمونه موردی: اتریش)

سیده الهام جلالی نژاد*

*دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد مدیریت شهری

دانشگاه تهران پردیس فارابی

* Email: sejn60@gmail.com

چکیده

مقایسه نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران با سایر کشورهای پیشرفته جهان، منجر به باز شدن دریچه‌ای از الگو گیری تجارب جهانی به سمت ایران خواهد شد. بازنگری و تغییر در نظام‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران امری الزامی است چراکه به بهتر شدن مدیریت کشور کمک خواهد کرد. هدف از انجام این پژوهش واکاوی نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران و اتریش است که بررسی سطوح برنامه‌ریزی را در این کشورها باهم مقایسه می‌کند و در نتیجه به ارائه چهارچوبی از قیاس‌ها در حد شباهت‌ها و تفاوت‌ها خواهد پرداخت، لذا این پژوهش از حیث روش جزء پژوهش‌های کیفی، به لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و به لحاظ ماهیت در زمره پژوهش‌های توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. روش جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر داده‌های اسنادی بوده و برای تحلیل داده‌ها از قیاس تطبیقی و روش‌های قیاسی بهره گرفته شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در کشور ایران با اتریش تفاوت‌های اساسی دارد به طوری که اگر شهرداری‌ها بخواهند خود را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی خلاق و فعال در جامعه مطرح نمایند، به دو پیش‌نیاز احتیاج دارند: نخست اینکه شهرداری در عین وابستگی متقابل با ۵ نهاد اصلی جامعه، تا حدودی نیز باید دارای استقلال کارکردی و تفکیک ساختاری باشند و دیگر، مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری است که باید نهادینه و اجرائی گردد و تمام موانع شناسایی و رفع گردند.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی شهری، مدیریت شهری، کشورهای جهان سوم، ایران، کشورهای پیشرفته، اتریش.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مقدمه

انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰ جمعیت جهان به حدود ۸ میلیارد و در سال ۲۰۵۰ به ۱۰ میلیارد برسد. هم‌اکنون بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت زمین در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. یعنی درآمد آن‌ها کمتر از یک دلار در روز است. ۴۲۰ میلیون نفر از جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که دیگر زمین کشاورزی لازم را برای تأمین غذای خود در اختیار ندارند و ۵۰۰ میلیون نفر در مناطقی که به شدت مستعد خشک‌سالی است، زندگی می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود که این آمار در سال ۲۰۲۵ به ۲/۴ تا ۳/۵ میلیارد برسد (ماتین، ۱۳۸۷). از طرفی با توجه به محدودیت منابع کره زمین برای انسان‌ها و دیگر موجودات ساکن آن و با توجه به افزایش تصاعدی استفاده از منابع پس از انقلاب صنعتی و دوران مدرن، نیاز به تغییر نگرش در استفاده از منابع و حفاظت از آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر آن تغییر الگوی مصرف منابع در قرون اخیر موجب آلودگی و ضررهای زیان‌بار برای اکوسیستم کره زمین گشته است. دولت‌ها و بنگاه‌های مختلف اقتصادی در راستای رسیدن، به توسعه اقتصادی و سبک درآمد بیشتر، استفاده حداکثری از منابع را در دستور کار خود قرار داده و به آلودگی‌ها و زیان‌های وارده بر محیط‌زیست کم‌توجهی می‌کنند. آلودگی‌هایی که شامل آلودگی زمین، آلودگی آب و آلودگی جوی می‌شود. آلودگی‌های جوی شامل مواردی همچون آسیب رساندن به لایه اوزون، باران‌های اسیدی و تولید گازهای گلخانه‌ای می‌شود. تخریب لایه اوزون سبب می‌شود تا تشعشعات خطرناک ماوراءبنفش خورشید به سطح زمین نفوذ نماید. افزایش این تشعشعات تأثیرات بسیار خطرناکی را بر گیاهان، حیوانات و انسان‌ها دارد (ماتین، ۱۳۸۷). بنابراین با توضیح این مطالب کلی، داشتن برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در کشورها امری بسیار مهم به حساب می‌آید و کشورهای جهان می‌بایست از کشورهای پیشرفته الگو بگیرند، چراکه تغییرات درونی و بیرونی در کشورها به شدت در حال دگرگونی است، البته میزان این تغییرات در هر جامعه و در هر کشور نسبت به دیگری تفاوت زیادی دارد، اما آنچه اهمیت دارد نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری هر کشور است که بایست با واقعیت‌های موجود همخوانی داشته باشد (الیاس زاده مقدم، ۱۳۹۱).

در جهان امروز، یکی از ثابت‌ترین اصول مورد توافق همه صاحب‌نظران، اصل تغییر است و بستر تئوریک، استراتژیک و عملیاتی تغییر و تحول در تاریخ بشریت، در چشم‌انداز سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، واقعیتی بدیهی جلوه می‌نماید. شهرها نیز به‌عنوان ارگانیزم زنده و سیستمی پویا در فرآیند توسعه جوامع بشری، در فرآیند رشد خود تغییرات عمده‌ای را متحمل شده‌اند، بنابراین از این قاعده مستثنا نیستند، به طوری که توسعه و تغییرات شهری و شهرنشینی از مهم‌ترین پدیده‌های دوران اخیر به شمار می‌آید. بررسی رشد سریع شهری در کشورهای رو به توسعه و از جمله بررسی جمعیت کشور ایران نشان می‌دهد که از ابتدای دهه ۴۰، رشد قابل توجهی به نفع جمعیت شهری به وقوع پیوسته است، به طوری که در حال حاضر رقمی بیش از ۶۸ درصد از جمعیت کشور ما را جمعیت شهرنشینی تشکیل می‌دهد. اما آنچه اهمیت اساسی دارد این است که این شهرنشینی همراه با توسعه نبوده است و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی فراوانی را پدید آورده است، از قبیل، افزایش فقر در شهرها، مشکلات مسکن و نارسایی خدمات شهری، کمبود آب آشامیدنی، ایجاد زاعه‌ها و مسکن غیرقانونی، بزهکاری اجتماعی، آلودگی هوا و محیط‌زیست و کاهش فضای سبز شهری و ... (مانی فر و همکاران، ۱۳۹۴).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

بازنگری و تغییر در نظام‌های برنامه‌ریزی امری طبیعی در بسیاری از کشورهای جهان است، در این بین تغییر در نظام برنامه‌ریزی شهر و مدیریت شهری جایگاه ویژه‌ای دارد بنابراین شناخت و آگاهی از ضعف‌ها و چالش‌های موجود در عرصه مدیریت شهری کشورمان و بهره‌گیری از تجربیات موفق سایر کشورها، قطعاً می‌تواند در بهتر شدن مدیریت کشور کمک کند. در نتیجه پژوهش حاضر قصد دارد به قیاس مدل مدیریت شهری در ایران با کشور اروپایی اتریش بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

۱- برنامه‌ریزی شهری

برنامه‌ریزی شهری را می‌توان هنر شکل دادن و هدایت و رشد طبیعی شهر دانست، امری که به‌موجب آن ساختمان‌ها و محیط‌های گوناگون ایجاد می‌شود تا به نیازهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و گذران اوقات فراغت و ... پاسخ دهد. برنامه‌ریزی شهری را می‌توان ایجاد محیطی راحت‌تر، آسان‌تر، دل‌پذیرتر و لذت‌بخش‌تر برای شهرنشینان دانست (شیعه، ۱۳۸۳).
گودمن معتقد است برنامه‌ریزی یک‌رشته اقدامات و تصمیماتی است که در مسیر وصول به اهداف عملیاتی سازمان داده می‌شود. پیترهال معتقد است برنامه‌ریزی به‌عنوان یک فعالیت عمومی عبارت است از انجام یک‌رشته عملیات منظم که در راستای دستیابی به یک هدف یا اهداف معین تدوین می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۹۲).

فرآیند برنامه‌ریزی مجموعه فعالیت‌هایی است که منجر به تخصیص منابع به‌منظور رسیدن به هدف مورد انتظار در آینده می‌شود. از سوی دیگر این تخصیص چون در راستای رسیدن به هدفی است که برنامه پیش روی خود نهاده، بنابراین باید به‌روشنی تعیین و تعریف شود لذا در همه تعاریف برنامه‌ریزی ارکان مشترکی همچون فرآیندی بودن، هدفمندی، عقلانی و ارادی بودن، مبتنی بر واقعیت‌ها و شرایط موجود، آینده‌نگر بودن آورده شده است (Glason, 1974).

۲- مدیریت شهری

روشن است که مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره‌کننده شهر از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد. مدیریت شهری به‌تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که به‌صورت رسمی یا غیررسمی در فرآیند مدیریتی شهر اثری دارد در این حیثه قرار دارد. مدیریت شهری می‌تواند به دنبال ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر، سالم‌تر، مؤثرتر و دل‌پذیرتر برای کلیه سازمان یک شهر باشد. مدیریت شهری، باید در پاسخ دادن و غلبه بر محدودیت‌ها و مسائل شهری به بهترین شکل عمل نماید (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸).

مدیریت شهری همچنین به معنای تفکر سیستماتیک همه‌جانبه نگر در امور شهری بیان می‌شود. مفهوم اصلی مدیریت شهری، اموری که باید مدیریت شود، باید برای شهر برنامه‌ریزی کند، فعالیت‌های شهر را سازمان دهد، بر فعالیت‌های انجام‌شده نظارت کند، حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش لازم را در سازمان مدیریت شهری و سایر سازمان‌ها و شهروندان ایجاد نماید.
مدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر به‌منظور ارتقاء مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و تبعیت از اهداف سیاست‌های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور است لذا یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزاء رسمی و غیررسمی مؤثر و ذی‌ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری باهدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر است، بنابراین مدیریت شهری به‌عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

عملیاتی اطلاق می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با دسترسی به زیرساخت‌های اساسی مسکن و اشتغال هستند. بر این اساس، کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخصی به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی، یکپارچگی اجتماعی و رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از قبیل مهارت و انگیزه‌های سیاستمداران و اشخاص استفاده‌کننده از این سیاست‌ها دارد. تحت این شرایط چارچوب و ویژگی‌های سازمانی حکومت و مدیریت شهری به‌ویژه نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تأثیر بسیار تعیین‌کننده‌ای در موفقیت آن ایفا می‌کند (شيعه، ۱۳۸۳).

اهداف مدیریت شهری

- ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه‌های کم‌درآمد
- تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار
- حفاظت از محیط کالبدی شهر (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸).

۳- ایران

نام ایران از واژه آریا ریشه می‌گیرد و معنی آن سرزمین آریایی‌ها است، ایران با نام رسمی جمهوری اسلامی ایران کشوری در غرب آسیا و دومین کشور بزرگ منطقه خاورمیانه است. این کشور خاورمیانه‌ای، جایگاه استراتژیکی در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز در جنوب آن دارد. جمعیت کل ۳۱ استان ایران بیش از ۸۴ میلیون نفر و تهران، پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر این کشور است. ایران یکی از قدیمی‌ترین خاستگاه‌های تمدن بشری در جهان به حساب می‌آید. تمدن در این کشور از ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد (بیش از ۶۰۰۰ سال قبل) وجود داشته است. در طول تاریخ ایران از نظر جغرافیای کشور پراهمیتی بوده است. سیاست در ایران بر اساس قانون اساسی که در سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷ شمسی) به تصویب رسید، بنا شده است. قدرتمندترین فرد در ایران، در حال حاضر رهبر جمهوری اسلامی ایران است. هم‌چنین کشور ایران از نظر انرژی و اقتصادی در دنیا اهمیت زیادی دارد و جز قدرتهای منطقه‌ای شمرده می‌شود، دلیل آن وجود منابع عظیم نفت و گاز طبیعی در این کشور است. ایران و زیرساخت قابل توجهی در بخش‌های خدماتی، صنعتی و کشاورزی دارد که اقتصاد این کشور را توانمند می‌سازند اما این اقتصاد هنوز بر فروش نفت و گاز متکی است و از فساد مالی رنج می‌برد. منابع طبیعی ایران، قابل توجه هستند و در میان اعضای اوپک، ایران سومین دارنده ذخایر بزرگ اثبات‌شده نفت است. میراث فرهنگی این کشور غنی است و فهرست میراث جهانی یونسکو در ایران از ۲۵ مورد تشکیل می‌شود.

ایران، جامعه‌ای با قومیت و فرهنگ‌های گوناگون دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اسلام شیعه را دین رسمی ایران اعلام کرده است و اکثریت مردم این کشور، پیروان همین مذهب هستند. زبان رسمی این کشور نیز فارسی است.

۴- اتریش

اتریش (به آلمانی: Österreich) (به فرانسوی: Autriche) با نام رسمی جمهوری اتریش (به آلمانی: Republik Österreich) کشوری محصور در خشکی واقع در رشته‌کوه‌های آلپ شرقی است. این کشور از ۹ ایالت فدرال تشکیل شده است که یکی از آن‌ها وین، پایتخت و بزرگ‌ترین شهر اتریش است. اتریش ۸۳۸۷۹ کیلومتر مربع مساحت و نزدیک به ۹ میلیون نفر جمعیت دارد. در حالی که آلمانی اتریشی زبان رسمی این کشور است، بسیاری از اتریشی‌ها به‌طور غیررسمی به گویش‌های مختلف باواریایی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

صحت می‌کنند. اتریش یک دموکراسی نماینده پارلمانی است که رئیس‌جمهور فدرال مستقیماً به‌عنوان رئیس دولت و صدراعظم به‌عنوان رئیس دولت فدرال انتخاب می‌شود. مناطق شهری عمده اتریش عبارت‌اند از وین، گراتس، لینز، زالتسبورگ و اینسبروک. اتریش همواره از نظر تولید ناخالص داخلی در بین ۲۰ کشور ثروتمند جهان قرار دارد. این کشور به استاندارد زندگی بالایی دست‌یافته است و در سال ۲۰۱۸ از نظر شاخص توسعه انسانی در رتبه بیستم جهان قرار گرفت. وین به‌طور مداوم از نظر شاخص‌های کیفیت زندگی در رتبه‌های برتر بین‌المللی قرار دارد و در سال ۱۹۹۵ به اتحادیه اروپا پیوست. این کشور میزبان سازمان امنیت و همکاری اروپا و اوپک است و یکی از اعضای مؤسس OECD و اینترپل است. اتریش همچنین موافقت‌نامه شینگن را در سال ۱۹۹۵ امضا کرد و واحد پول یورو را در سال ۱۹۹۹ پذیرفت.

اتریش در سال ۱۹۴۵ تاکنون یک جمهوری فدرال است. رئیس‌جمهور این کشور توسط مردم انتخاب می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م)، اتریش جزو نخستین کشورهایی بود که دولت موقت ایران را به رسمیت شناخت. در این زمان روابط ایران و اتریش به علت روشن نبودن برخی از مسائل دیپلماتیک و وجود جو انقلابی، در حد معمول ادامه داشت. سفیر اتریش در تهران به‌عنوان سفیر اتریش در قاهره تعیین گردید. وی که کریستوف کورنارو (Christoph Cornaro) نام داشت و در دوران انقلاب در تهران بود در گزارشی به وزارت امور خارجه می‌نویسد که مسائل انقلاب تمامی فعالیت‌های بازرگانی، اقتصادی و سیاسی را تحت الشعاع قرار داده است. نقشه کشور اتریش در شکل ۱ آورده شده است.



شکل ۱- نقشه کشور اتریش

پیشینه پژوهش

در پژوهشی که میر غلامی و همکاران در سال ۱۳۹۸ با عنوان "ارزیابی تطبیقی برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی ایران با مصر، عربستان، ترکیه و مالزی" انجام داده بودند به نتایجی دست یافتند که نشان می‌دهد که در نظام برنامه‌ریزی کلان، تمام کشورها دارای افق برنامه‌ریزی مداوم با دوره‌های مشخص، رویکرد غالب اقتصادی، مشارکت‌پذیری پایین و شریعت‌پذیری گفتمانی قوی و از نظر اجرایی ضعیف بوده‌اند. ایران از لحاظ رویکرد نظری مشابه عربستان، در مشارکت مشابه مصر و عربستان، در بازیگران توسعه مشابه مصر و تقریباً ترکیه و در سایر مؤلفه‌ها مانند هر چهار کشور عمل می‌کند. در نظام برنامه‌ریزی فضایی، ایران در مؤلفه‌های سطوح سلسله مراتبی برنامه‌ریزی رویکرد و مکانیسم برنامه‌ریزی فضایی و ساختار سازمانی، مشابه چهار کشور دیگر و در مؤلفه سیستم اجرا- کنترل- نظارت، عقب‌تر از چهار کشور هم‌وزن خود بوده است. در مجموع، ابتدا مالزی و سپس ترکیه در غالب



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

معیارها پیش‌تر از ایران، مصر و عربستان بوده‌اند. شناخت این وضعیت و تعیین جایگاه ایران در تدوین نظام برنامه‌ریزی و نظام اجرایی کشور مؤثر خواهد بود، به‌گونه‌ای که می‌توان از موفقیت‌های آن‌ها بهره‌مند لازم را برد (میر غلامی و همکاران، ۱۳۹۸). در پژوهشی که حسینی در سال ۱۳۹۱، با عنوان "بررسی و مقایسه تطبیقی مدیریت شهری در ایران و جهان" انجام داد، نشان داد که با توجه به اینکه استفاده و بهره‌گیری از تجارب موفق کشورهای توسعه‌یافته می‌تواند نقش مهم و مؤثری در ارتقاء بهبود مدیریت شهری ایران داشته باشد، بنابراین به‌منظور تحول نظام مدیریت شهری ایران و سنجش تفاوت ساختاری این نظام مدیریتی با سایر کشورهای دنیا استفاده از تجارب موفق کشورهای صاحب‌نام در عرصه مدیریت شهری امری ضروری به شمار می‌رود. بدین ترتیب این پژوهش به‌صورت تحلیلی و مقایسه تطبیقی ساختار مدیریت شهری در ایران و کشورهای توسعه‌یافته پرداخته است.

در پژوهشی که فرزای کهواده در سال ۱۳۹۹ با عنوان "بررسی قیاس تطبیقی نظام برنامه‌ریزی شهری ایران و ترکیه" انجام داد، ابتدا مؤلفه‌های تجربه‌شده بین‌المللی در دانش ارزیابی تطبیقی شناسایی و سپس بر اساس شرایط ایران و ترکیه مؤلفه‌های هفت‌گانه و چهارده‌گانه در ابعاد "محتوایی" و "رویه‌ای" برای مفاهیم برنامه‌ریزی شهری تدوین و قیاس تطبیقی برای وضعیت دو کشور انجام گردید. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که در نظام برنامه‌ریزی شهری، دو کشور دارای افق برنامه‌ریزی مداوم با دوره‌های مشخص، رویکرد غالب اقتصادی، مشارکت‌پذیری پایین و شریعت‌پذیری گفتمانی قوی از نظر اجرایی ضعیف بوده‌اند.

در پژوهشی که هادی ویسی در سال ۱۳۹۲ "بررسی الگوهای دولت محلی و تطبیق آن با شهرهای ایران" انجام داد نوعی الگوی شبه دولت محلی شهری از آغاز سده بیستم در ایران شکل گرفته است و در قالب الگوی شورا-مدیر با حرکت سینوسی متأثر از تحولات سیاسی و نظام سیاسی تک ساختار دچار انبساط و انقباض قدرت شده است که برای تمامی شهرهای ایران یکسان بوده است.

روش پژوهش

تحلیل تطبیقی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های علوم اجتماعی کلان نگر است که به دنبال پاسخ دادن به پرسش‌های بزرگ است و در سطح میانی و کلان واحدهای مشاهده و سطح تحلیل خود را موردبحث قرار می‌دهد. روش تحقیق تطبیقی به معنای توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های شرایط با پیامدها در بین واحدهای اجتماعی بزرگ‌مقیاس مانند مناطق، ملت‌ها، جوامع و فرهنگ‌هاست (Esser, 2017).

بدین منظور این پژوهش از نوع پژوهش‌های تطبیقی با تحلیل کیفی است و از نظر روانشناسی، فرا تحلیل (تحلیل ثانوی) محسوب می‌شود. با توجه به اینکه هدف نهایی این پژوهش مقایسه و بررسی نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران با کشور اتریش است و به دنبال ارائه الگو و پیشنهادهایی برای بهبود ساختار فعلی است از این‌رو این پژوهش کاربردی نیز محسوب می‌شود. روش جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش مبتنی بر داده‌های اسنادی بوده و برای تحلیل داده‌ها از قیاس تطبیقی و روش‌های قیاسی بهره گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

۱- نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران دارای ساختار متمرکز است که در آن تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی عمدتاً به صورت از بالا به پایین انجام شده و نهادهای محلی، استقلال و قدرت تصمیم‌گیری محدودی دارند. کشور ایران دارای نظام سطح‌بندی مشخص در زمینه طرح‌های شهری نمی‌باشد، این بدان معنی است که سیاست‌های کلی و خط‌مشی‌های کلان جهت استراتژی توسعه در سطح ملی به صورت مشخص، چارچوبی برای تهیه طرح‌های شهری پایین‌دست ارائه نمی‌دهد. از طرفی فقدان برنامه‌ریزی شهری منسجم در سطح منطقه‌ای نیز گسستی در نظام برنامه‌ریزی را موجب می‌شود. در نتیجه طرح‌های جامع شهری اغلب با مطالعات اجمالی در سطح منطقه به ارائه طرح شهری می‌پردازند. در سطوح محلی نیز ماهیت طرح‌های جامع و تفصیلی مورد سؤال است. این طرح‌ها از لحاظ تئوری در برنامه‌ریزی شهری جهان جایگاه خود را به دلیل مشکلات مختلف آن از جمله ایستادگی آن‌ها، ازدست‌داده‌اند. طرح‌های جامع و به دنبال آن طرح‌های تفصیلی اغلب آن‌طور که شایسته است به اجرا نمی‌رسند و این یکی از دلایل آشفتگی شهرهای کشور ایران است (برومند و همکاران، ۱۳۹۲).

نهاد اصلی سیاست‌گذاری در مقوله برنامه‌ریزی شهری وزارت راه و شهرسازی است. در حقیقت نظام برنامه‌ریزی در ایران به ترتیبی است که وزارتخانه‌های متولی به انضمام شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه در سطح ملی با عنوان‌های مختلفی چون سیاست‌گذاری، تهیه طرح‌های توسعه، تعیین بودجه و نظارت در امر نظام برنامه‌ریزی نقش ایفاء می‌کنند و سازمان‌های وابسته آن‌ها در مقیاس منطقه‌ای و محلی مسئولیت اجرای سیاست‌ها و دستورات از رأس هرم برنامه‌ریزی به پایین‌ترین نقطه سیستم را بر عهده دارند. در سطح محلی، شورای اسلامی شهرها و شهرداری‌ها مسئولیت اصلی را در سیستم برنامه‌ریزی شهری ایران بر عهده دارند که در حقیقت بیشتر بخش اجرائی کار را بر دوش می‌کشند و البته سازمان‌های نیز هستند که در این میان دارای قدرت قانونی تأثیرگذاری در این بخش از برنامه‌ریزی هستند. در ایران شهرداری‌ها وابسته به کمک‌های مالی شورای اسلامی شهر و وزارت کشور هستند و توسط آن‌ها نظارت می‌شوند که این امر نشان‌دهنده آن است که فعالیت شهرداری‌ها به عنوان نهادهایی محلی، در حوزه اجرایی طرح‌های جامع، تفصیلی، مدیریت شهری محدود شده و نمی‌توانند نقش خود را در تهیه و برنامه‌ریزی‌های آینده ایفاء کنند.

۱-۱- چگونگی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران

مدیریت شهری در ایران را می‌توان در سه سطح معرفی نمود: سطح کلان (ملی)، سطح منطقه‌ای (استانی)، سطح محلی.

۱-۱-۱- برنامه‌ریزی در سطح ملی

در سطح ملی سه نهاد اصلی وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی و شورای عالی شهرسازی و معماری تعیین‌کننده هستند و نهادهایی چون شورای عالی اداری کشور، سازمان حفاظت از محیط‌زیست و بنیاد مسکن، استانداری، فرمانداری، وزارت نیرو، وزارت صنایع، جهاد کشاورزی، سازمان میراث فرهنگی در تصمیمات سطح کلان برنامه‌ریزی فضایی ایران تأثیرگذارند.

- توسط وزارت کشور، شورای عالی شهرسازی و معماری و وزارت راه و شهرسازی
- تهیه طرح‌های مجموعه شهری و تأمین مالی
- سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های فرا شهری و شبکه‌های زیر بنایی و ارتباطات
- تصمیم‌گیری در خصوص توزیع جمعیت آینده و چگونگی استقرار صنایع
- اعمال سیاست‌های دولت بر اراضی شهری

۱-۱-۲- برنامه‌ریزی در سطح منطقه‌ای



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در سطح منطقه‌ای، استانداری و در سطح محلی شهرداری‌ها مهم‌ترین سازمان‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی به شمار می‌روند.

• توسط استاندار

متأسفانه در این سطح چارچوب مشخصی برای تهیه طرح‌های شهری در مقیاس منطقه‌ای شکل نگرفته است. اما وظایفی که برای برنامه‌ریزی در سطح منطقه‌ای تعیین شده است به شرح زیر است:

- تمرکززدایی از طریق برنامه‌ریزی برای خروج مشاغل، تقویت کانون‌های اصلی تمرکز جمعیت و شهرهای جدید.
- حفاظت از اراضی کشاورزی، مرتعی، روستایی و توسعه کمربند سبز و پارک‌های ملی.
- جلوگیری از استقرار پراکنده فعالیت و جمعیت در سطح مجموعه

۱-۳-۱- برنامه‌ریزی در سطح محلی

• توسط شهرداری

تهیه طرح‌های توسعه شهری حدوداً از سال ۱۳۴۲ آغاز گردید. این فعالیت‌ها با تهیه طرح‌هایی در وزارت کشور شروع شد و سپس تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری علاوه بر طرح‌های هادی برای تعدادی از شهرهای بزرگ طرح‌های جامع و تفصیلی تهیه گردیده است. در این طرح سه گونه طرح موجود است:

۱-۳-۱-۱- طرح جامع شهر

طرح بلندمدتی است که در آن نحوه استفاده از اراضی و منطقه بندی مربوط به طرح‌های مسکونی، صنعتی، بازرگانی و غیره و ضوابط و مقررات مربوط به کلیه موارد فوق همچنین ضوابط مربوط به حفظ بنا و نماهای تاریخی و مناظر طبیعی، تهیه و تنظیم می‌گردد، این طرح به سبب ضرورت قابل تجدید نظر است.

۱-۳-۱-۲- طرح هادی

طرحی است که در آن جهت گسترش آتی شهر و نحوه استفاده از زمین‌های شهری برای عملکردهای مختلف به‌منظور حل مشکلات حاد و فوری شهر مشخص می‌شود.

۱-۳-۱-۳- طرح تفصیلی

این طرح بر اساس ضوابط طرح جامع استفاده از اراضی در سطح محلات با مشخصات دقیق وضع می‌شود.

۲- نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در اتریش

مطابق ماده ۱۱۷ قانون حکومت محلی ۲۰۰۸ مقامات هر شهر حداقل باید شامل شورای محلی، هیئت نمایندگی که به‌وسیله واجدین شرایط رأی دادن در شهر انتخاب می‌شوند، باشند. بورد محلی همچنین شامل شورای شهر و یا سنای شهر در شهرهای کوچک به همراه قوانین موضوعه خویش و شهردار می‌باشند. قانون‌گذار ایالت این صلاحیت را دارد که مقررات جزئی‌تر را در ارتباط با وظایف خاص مقامات محلی تصویب کند، بنابراین مصوبات حکومت محلی و قوانین موضوعه شهرها این چنین مقرراتی را دربرمی‌گیرد.

۲-۱- جایگاه شورای محلی در ساختار حکومت محلی اتریش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

صلاحیت سازمان مقامات محلی بستگی به مصوبه حکومت محلی یا قوانین موضوعه شهرهای ایالتی دارد، عموماً شوراهای محلی و شهرداری‌ها، سازمان‌هایی هستند که در محل از اهمیت بالایی برخوردارند. شورای محلی، هیئت نمایندگی عام است که همان‌طور که در قانون اساسی مقرر شده است به‌وسیله شهروندان واجد شرایط رأی دادن محل، انتخاب می‌شوند.

ماده ۱۱۷ اصولی ایجاد کرده است که بر رویه‌های انتخاباتی شورای ملی و پارلمانی ایالت حاکم است، هنوز شورای محلی یک پارلمان نیست چراکه هیچ‌گونه قدرت قانون‌گذاری ندارد و این صرفاً نشان‌دهنده شهروندانی است که در زیرمجموعه دولت قرار گرفته است، البته شورای محلی این صلاحیت را دارد که در خصوص طیف وسیعی از موضوعات مربوط به حوزه مستقل، تصمیم بگیرد. این حوزه شامل موضوعات بودجه‌ای است. ماده ۱۱۸-۵-B شورای محلی را به‌عنوان یک هیئت محلی عالی در نظر می‌گیرد، اگرچه این امر صراحتاً در قانون اساسی فدرال مورد تصریح قرار نگرفته است، مصوبات حکومتی ایالت مرتباً به شورای محلی واگذار می‌شود.

۲-۲- نحوه انتخاب شهردار

به‌طور گسترده شهردار مرتباً اختیار ارائه موضوعات خاص به‌ویژه در ارتباط با موضوع حقوق خصوصی را دارد، اگر او وظایف اداری مربوط به حوزه مستقل شهری را انجام دهد در این صورت در برابر شورای محلی مسئول است. وظایف مربوط به حوزه تفویض شده شهری عموماً به‌وسیله شهردار اجرا می‌شود. باوجود این شهردار حق دارد بدون این‌که مسئولیتش از بین برود دسته‌ای از موضوعات فردی مربوط به حوزه تفویض شده وظایف محلی را به سایر مقامات محلی که ارتباط واقعی با موضوعات مربوط به حوزه مستقل وظایف شهری دارد، منتقل کند، در این موضوعات مقامات مربوطه ملزم به اجرای دستورات شهردار هستند، به‌عنوان یک قاعده، شهردار هم رئیس شورای محلی و هم بورد محلی است باوجود این او رئیس اداره محلی و کارکنان محلی نیز هست و همچنین اموال و بودجه محلی را مدیریت می‌کند، قبلاً قانون اساسی فدرال صراحتاً اجازه نداده بود که شهردار به‌طور مستقیم انتخاب شود، قانون‌گذار ایالتی نظامی ارائه کرده بود که در سال ۱۹۹۳ توسط دادگاه قانون اساسی خلاف قانون اساسی تشخیص داده شد، به‌منظور اینکه شهردار قادر باشد برای ایجاد یک نظام انتخابات مستقیم، تصمیم بگیرد قانون اساسی فدرال در سال ۱۹۹۶ اصلاح شد، ماده ۱۱۷-۶-B اکنون تصریح کرده است که شهردار به‌وسیله شورای محلی انتخاب می‌شود مگر اینکه قانون اساسی ایالت مقرر کرده باشد که او به‌وسیله آن‌هایی انتخاب شود که شایسته انتخاب شدن توسط شورای محلی را داشته باشند. این مقررات صراحتاً استقلال مبتنی بر قانون اساسی ایالت را توسعه دادند و اکنون دیگر قانون اساسی در خصوص این‌که آیا شهردار توسط شورای محلی انتخاب شود یا مستقیماً به‌وسیله شهروندان محلی، ساکت است تا جایی که شش ایالت از نه ایالت موجود، قانونی را تصویب کرده‌اند که زمینه انتخاب مستقیم شهردار را فراهم کرده است. گرچه برخی اوقات شهرهای کوچک قوانین خاص خویش را دارند، این مورد نشان می‌دهد که چگونه دادگاه قانون اساسی اغلب به شیوه کاملاً غیرقابل پیش‌بینی ممکن است اعمال گردد. اصول قانون اساسی که به نحو ضمنی خودمختاری مبتنی بر قانون اساسی ایالت را محدود می‌کند، نیازمند این است که به نحو صریح اصلاح گردد تا فضای مبتنی بر قانون اساسی توسعه یابد (ONEILL, 1997).

۳-۲- موقعیت سایر مقامات محلی

احزاب منتخب در شورای محلی به‌تناسب قدرتش ادعای حضور در بورد محلی را دارند. قانون اساسی فدرال خود تعیین نکرده است که آیا اعضای بورد محلی در برابر شورای محلی مسئول هستند یا خیر؟ بلکه به این متذکر شده است که اعضای آن‌ها در برابر شورای محلی وقتی که وظایف مستقل را انجام می‌دهند، مسئول هستند. مطابق ماده ۱۱۹-۳-B شهردار ممکن است وظایفی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

را که به حوزه تفویض شده مربوط می‌شود به اعضاء بود محلی که در این مورد ملزم به دستورات شهردار می‌باشند و به خاطر اعمال غیرقانونی مسئول هستند، واگذار کند. ماده ۱۱۷-۷-B مقرر می‌دارد: اداره محلی، امور محلی را انجام می‌دهد، باوجوداین، از مقررات یادشده این امر استنباط نمی‌شود اگر شهردار اختیارات یک مقام را به یک اداره محلی واگذار کند، چه می‌شود، اساساً اداره محلی به مقامات محلی در اجرای وظایف محلی است یا مربوط به اداره عمومی، حقوق خصوصی یا حوزه مستقل یا تفویض شده است، به عملکرد محلی کمک می‌کند، برعکس سایر شهرها، وین به دو منطقه تقسیم می‌شود: دادگاه قانون اساسی مقررات قانون انتخابات محلی را که به‌وسیله پارلمان وین تصویب شده بود را مورد بازنگری قرارداد، قانون یادشده شهروندان غیر اتریشی یا غیراروپایی را به شرط اقامت دائمی در وین به مدت حداقل ۵ سال، مستحق رأی دادن در انتخابات نواحی مجزا دانست.

۴-۲ - نحوه مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

درون دولت‌های چند زنجیره‌ای، سطح محلی مطمئناً برای مشارکت شهروندان بیشتر مساعد است، چراکه به ابتکارات شهروندان سازمان می‌دهد و سیاستمداران را با موضوعات مربوط به منافع آن‌ها مواجه می‌کند. قابل توجه است که تقویت دموکراسی مستقیم در سطح محلی به‌طور فزاینده‌ای به یک تقاضای سیاسی تبدیل شده است که عمدتاً در قانون و همچنین قانون اساسی فدرال آمده است. اگرچه ماده ۱۱۷ حداقل استاندارد نهادی در شکل مقامات محلی خاص را مورد تصریح قرارداد اما ثابت شده است که حداقل بخشی از این نهادها مستقیماً توسط شهروندان محلی انتخاب می‌شود، بعلاوه ماده ۱۱۷ پاراگراف ۸ تعیین کرده است که قانون‌گذار ایالت می‌تواند در موضوعات مربوط به حوزه استقلال عملکرد شهرها، برای مشارکت و کمک مستقیم به آن‌هایی که واجد شرایط رأی دادن و انتخابات شورای محلی هستند، ارائه کند، برعکس انتخاب مستقیم شهرداران، مشارکت مستقیم شهروندان نیاز به تصریح در قانون اساسی ایالتی ندارد، بلکه قانون عادی ایالت هم برای این منظور کفایت می‌کند، بنابراین مصوبات حکومت محلی ایالت شامل مقررات مربوط به همه‌پرسی عمومی و مشارکت شهروندان در کمیته‌های منتخب شورای محلی است.

اتریش متعلق به دسته‌ای از نظام‌های فدرال است که حکومت محلی به‌طور گسترده به‌وسیله قانون اساسی فدرال تنظیم شده است. رژیم مبتنی بر قانون اساسی فدرال جایگاه خیلی محدودی برای ایالت و قانون‌گذاری آن‌ها باقی گذاشته است. اگرچه صلاحیت مقررات گذاری حکومت محلی اساساً به ایالت واگذار شده نه به قانون‌گذار فدرال، قانون‌گذاری آن‌ها محدود به طیف وسیعی از مقررات قانون اساسی فدرال می‌شود که سازمان وظایف و روابط مالی شهرها را مشخص می‌کند، در برخی موارد، حتی دادگاه قانون اساسی به‌طور ضمنی مقررات قانون اساسی فدرال را به رسمیت شناخته است. مقرراتی که از حقوق اساسی فدرال ناشی شده است و به قانون‌گذار ایالت در حکومت محلی اعمال می‌شود، بنابراین نتیجه این نوع از شناسایی قانون اساسی این است که اساساً ایالت صلاحیت مقررات گذاری حکومت محلی را همانند قانون‌گذار فدرال عادی دارد. از آنجایی که خود قانون اساسی فدرال مسئولیت ایجاد مبنای حقوق گسترده حکومت محلی را برعهده گرفته است، صلاحیت ایالت، ساده باقی مانده است. باوجوداین کنوانسیون قانون اساسی اخیراً دریافت که در ارتباط با روابط آتی بین فدراسیون و ایالت مشکلاتی وجود دارد (Robb, 2011).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۵-۲ - سطوح مختلف برنامه‌ریزی در اتریش

در جدول ۱، سطوح برنامه‌ریزی کشور اتریش آورده شده است.

جدول ۱- سطوح برنامه‌ریزی در کشور اتریش

اتریش	مرجع برنامه‌ریزی	ابزار برنامه‌ریزی	اثر قانونی
سطح ملی	دولت	مفهوم کلی سیاست منطقه‌ای	مشورتی
سطح منطقه‌ای	ایالت‌های فدرالی	برنامه فضایی برنامه منطقه‌ای	مشورتی اجباری
سطح محلی	شوراهای شهرداری	طرح کاربری اراضی مقدماتی طرح اجباری کاربری اراضی	مقدماتی اجباری

نتیجه‌گیری کلی

شهرها به‌عنوان ارگانیزم زنده و سیستمی پویا در فرآیند توسعه جوامع بشری، در فرآیند رشد خود، تغییرات عمده‌ای را متحمل شده‌اند، که خدمت‌رسانی، اداره و مدیریت شهر و تأمین نیازهای توسعه شهری بر عهده سازمان شهرداری‌هاست. بدین ترتیب، شهرداری‌ها در پی پاسخگویی به معضلات ایجادشده، برآمدند و راهکارها و سیاست‌های متفاوتی را اتخاذ نموده‌اند. طرح‌های اولیه شهرداری‌ها باوجود اثربخشی و کارایی محدود و کسب تجارب فراوان درزمینهٔ اجرای طرح‌ها، در عمل نتوانستند که در مسیر توسعه فرهنگی و مشارکت انسانی کارایی داشته باشند، عدم انطباق محتوا و ساختار این طرح‌ها با بستر مورداجرا، صرف نگاه از بالا و رویکرد اثبات‌گرایانه به موضوع، عدم توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی بستر مورد تحقق، عدم توجه و فقدان آگاهی افراد نسبت به اهداف عملی طرح، عدم تطابق طرح‌های شهرسازی با نیازها و خواسته‌های مردم و اجرای کار بدون توجه به نیازسنجی علمی افراد و درنهایت تهدید منافع شهروندان، مشارکت پایین مردم یا مشارکت تک‌بعدی افراد، ناچیز انگاشتن نقش مشارکت اجتماعی افراد، اهمیت نقش مردم در اداره جامعه، مسئولیت‌پذیری کم افراد مسئول و مرتبط و همچنین افراد جامعه، عدم تحقیقات میدانی جامع و سیستماتیک و وابستگی بیش‌ازحد جامعه به دولت سبب شده‌اند که این طرح‌ها نتوانند به کارایی و اثربخشی برسند.

ساختار برنامه‌ریزی در کشورهای توسعه‌یافته دارای مدیریتی از پایین به بالا است به‌طوری‌که در سیستم مدیریتی این کشورها علاوه بر حضور شهرداری و شورای شهر، در سطوح فراتر ازجمله منطقه‌ای و ایالتی سازمان‌هایی همچون شورای نظارتی و در سطوح پایین‌تر ازجمله ناحیه و محله نیز شوراهایی نظیر شورای فرهنگی، شورای ورزشی و شورای تفریحی در جهت ارائه خدمات به شهروندان حضور فعال دارند که گویی یک ساختار مدیریتی نظام‌یافته در شهرهای این‌گونه کشورها وجود دارد (برومند و رضایی، ۱۳۹۲). به‌گونه‌ای که در کشورهای درحال توسعه ازجمله ایران مدیریت شهری به دلیل مشکلات ناشی از افزایش بی‌رویه جمعیت شهرنشینی، ضعف بنیه مالی سازمان‌های درگیر در امر مدیریت شهری، فقر و حاشیه‌نشینی شهرنشینی‌ها، شکاف سازمانی در بین سازمان‌های درگیر در امر مدیریت شهری و ساختار مدیریتی متمرکز ارگان‌های دولتی، مدیریت شهری با چالش‌ها و نابسامانی‌هایی همراه شده است (مانی فر و همکاران، ۱۳۹۴).

مدیریت شهری در اتریش بیشتر حالت یک دولت محلی کوچک است که دارای استقلال زیادی در تثبیت امور و زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه شهری خود هستند، ازاین‌رو شهردار و انجمن شهر، خود را در برابر شهروندان مسئول می‌دانند نه در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مقابل حکومت و به دلیل همبستگی درونی بسیار قوی بین عناصر سیستم شهر، یعنی مدیریت، جامعه و کالبد، این سیستم در برابر تغییرات محیطی اعم از سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی ثبات و مقاومت بسیار زیادی از خود نشان داده و این تغییرات را به راحتی جذب و هضم می‌کند و رشد سیستم شهر تدریجی و بطنی است. در جدول ۲ قیاس تطبیقی بین ساختار برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران و اتریش آورده شده است.

جدول ۲- قیاس تطبیقی بین ساختار برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران و اتریش

مورد پژوهی ها	ایران	اتریش
ساختار کلان برنامه‌ریزی	متمرکز	غیرمتمرکز
مدل مدیریت شهری	شورا- شهردار	شهردار قوی شورا- مدیر و کمیسیونی
نقش دولت ملی	<ul style="list-style-type: none"> • تعیین چشم‌انداز و سیاست‌های کلان • اخذ تمامی تصمیمات کلان مؤثر بر توسعه منطقه کلان‌شهری از جمله سیاست‌های کاربری زمین، استقرار صنایع، توسعه تأسیسات زیربنایی • تصویب طرح‌های مجموعه شهری 	<ul style="list-style-type: none"> • نظارت بر سطوح پایین‌تر به صورت غیرمستقیم • ارائه کمک‌های مالی، فنی و اضطراری در صورت نیاز و بروز حوادث
نقش نهاد منطقه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> • اجرای سیاست‌های کلان ملی توسط استانداری به‌عنوان نهاد منطقه‌ای (عدم استقلال استانداری در تعیین راهبردهای توسعه) 	<ul style="list-style-type: none"> • تهیه مهم‌ترین اسناد برنامه‌ریزی
نقش نهادهای محلی	<ul style="list-style-type: none"> • اداره امور جاری شهر (نبود اختیارات قانونی در سیاست‌گذاری) 	<ul style="list-style-type: none"> • تهیه طرح‌های مقدماتی کاربری اراضی برای گستره سرزمین توسط مقامات محلی • اختیار کامل در تمام امور مربوط به خود
منبع درآمد	اعتبارات دریافتی از دولت مرکزی	مالیات و بودجه‌بندی
نظام سیاسی	جمهوری	فدرالی

به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان داد که اگر شهرداری‌ها بخواهند خود را به‌عنوان یک‌نهاد اجتماعی خلاق و فعال در جامعه مطرح نمایند، به دو پیش‌نیاز احتیاج دارند: نخست اینکه شهرداری در عین وابستگی متقابل با ۵ نهاد اصلی جامعه، تا حدودی نیز باید دارای استقلال کارکردی و تفکیک ساختاری باشند و دیگر، مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری است که باید نهادینه و اجرائی گردد و تمام موانع شناسایی و رفع گردند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

منابع

۱. الیاس زاده مقدم، ن (۱۳۹۱)، بررسی و امکان‌سنجی جایگزینی الگوی برنامه‌ریزی ساختاری- راهبردی با الگوی برنامه‌ریزی جامع شهری در ایران: مطالعه‌ای تطبیقی- مقایسه‌ای: نشریه آرمان‌شهر، شماره ۶، صفحات ۴۸-۳۵.
۲. برومند، م، رضایی، س. (۱۳۹۲)، حکمروایی خوب شهری، الگوی جایگزین مدیریت سنتی شهری (با نگاهی بر تجربه آلمان و ایران)، کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری.
۳. حسینی، م. (۱۳۹۱)، بررسی و مقایسه تطبیقی مدیریت شهری در ایران و جهان"، چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا. شعبه، ا، (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، انتشارات علم و صنعت ایران، چاپ چهاردهم.
۵. فرازی کوهاده، س. (۱۳۹۹)، بررسی قیاس تطبیقی نظام برنامه‌ریزی شهری ایران و ترکیه، پنجمین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی.
۶. لطفی، ح، عدالت‌خواه، ف، میرزایی، م، وزیر پور، ش. (۱۳۸۸)، مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره اول، صفحات ۱۰۱-۱۱۰.
۷. مانی فر، ح. اسماعیلی، م، دایی، ن، (۱۳۹۴)، بررسی چالش‌های موجود در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت فضایی شهری و تأثیر آن بر توسعه فضایی شهرهای ایران، سومین همایش ملی معماری و شهرسازی در گذر زمان در جستجوی شهرسازی و معماری آینده، قزوین.
۸. ماتین، گللیف (۱۳۸۷)، "طراحی فضاهای شهری با محوریت توسعه پایدار"، ترجمه ناریس سهرابی، نشر ناامن‌الحجج.
۹. مهدی زاده، ج. (۱۳۹۲)، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری، (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، انتشارات آرمان‌شهر، تهران.
۱۰. میر غلامی، م، پور جعفر، م، میثاقی، م، (۱۳۹۸). "ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریز فضایی ایران با مصر، عربستان، ترکیه و مالزی"، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۴، شماره ۳، صفحات ۱-۱۴.
۱۱. ویسی، هادی (۱۳۹۲)، بررسی الگوهای دولت محلی و تطبیق آن با شهرهای ایران، جغرافیا و توسعه، دوره ۴، شماره ۲۳.
12. Esser, F. Comparative Research Methods, the International Encyclopedia of Communication Research Methods. DoI,2017.
13. Glasson, J. An introduction to regional planning Hutchinson, London, 1974.
14. Mouritzen, P.E. and Svara, J.H. (2002). Leadership at the apex, Politicians and administration in Western Local Government, Pittsburgh: University of Pittsburg Press.
15. O'Neill, J. (1997). ' Local Government in the Australian Federal System, in Dollery, B.E. and Marshall, N, Australian Local Government, Reform and Renewal. Macmillan: Melbourne, pp.17-39.
16. Robb, A. (Rt. Hon). " Australian local Government- Speech. Royal Theatre, National Convention Centre, 2011.